

## روانشناسی اسلامی

(۴)

\* خود دوستی

\* فشار عوامل تربیتی روی غریزه

\* بهترین مقیاس

.. موضوع جلب منفعت و دفع ضرر که یکی از کارهای حیاتی جانداران است (۱) در انسانها بصورت غریزه بوده و هسته مرکزی آن از همان روزهایی که موجود زنده ذره بینی پیش نیست شروع بکار نموده و در تمام دوران تکامل جنینی و بعد مراحل کودکی و جوانی و پیری رو بر شد و سرگرم کار بوده و همواره منافع زندگی و بقاء خود را خواسته ، و چیزهایی که زیانبخش به زندگی است از خود دفع و دور میکند .

کودک در همان روزهای اولی که پا بجهان میگذارد ، بحکم همان غریزه پستان مادر را گرفته و بهنگام ناراحتی و بر خورد با هوا و غذای نامساعد دست و پا کرده سپس با گریه و سر و صدا از خود دفاع نموده و دیگران را بدفاع از خود دعوت میکند .

در این شرائط تنها غریزه خود دوستی بطور خالص و ساده کار کرده و هیچ چیز دیگری دخالت ندارد ، یعنی احساس ساده (۲) گرسنگی یا رنج و

(۱) تولید مثل و بقاء نسل ، تهیه لوازم زندگی ، مبارزه با دشمنان

حیاء ، از کارهای عمومی جانداران است ، گیاه ، حیوان ، یا انسان .

(۱) احساسات انسان در این شرائط با نهایت سادگی جلوه می کند ، و بعدها با قوه تخیل یا فکر همراه شده و معمولاً احساس درکی خواننده میشود ، برای انسان ، از سالهای ده دوازده به بالا ، کمتر ممکن است احساس ساده ای دست دهد .

درد محرك آن بوده و هر دو بطور خودکار بدون دخالت فکر و اندیشه ای کار میکنند .

بعدها که بزرگتر شده و ظرفیت شعور و فهمی پیدا کرد ، این غریزه که بدنبال احساس شروع بکار میکند دائره محدود تری پیدا کرده و در محیط کوچکتري فعالیت میکند .

بچهٔ انسان در ماههای اول زندگی هر چه بدهاش برسد میگیرد و میمکد و فعالیت غریزی او برای حفظ خود هیچ قید و شرطی ندارد ، اما در سالهای اول و دوم و بتدریج هر چه بزرگتر میشود دائره احساس ، بکمک درک و شعور وسیع تر شده و بنسبت معکوس فعالیت خود دوستی در شرائط و قیودی محدود تر میگردد . فردا که این انسان بزرگتر شده و با بسالهای هشت و نه میگذارد فعالیتهای غریزی تحت تأثیر محیط زندگی و تربیت ، رنگ خاصی بخود گرفته و طرز دیگری احتیاجات را تهیه کرده و با شرائط نامساعد زندگی هم بطرز دیگری روبرو میشود .

پس فردا که وارد جوانی شده و با غریزه خود دوستی ، جوان پابمیدان فعالیت میگذارد ، شرائط دین ، تربیت و زندگی روی او اثر گذاشته بر رنگ محیط درمیآید ، و بهمین ترتیب... ولی در تمام مراحل بعدی گرچه هر رنگ محیط تربیتی و عوامل فوق آن شده (۱) اما همواره در تکاپو بوده و خود را خواسته و دشمنان را از خود دفع و دور میکند .

فشرده ، آنکه غریزه خود دوستی که از احساس تحریک میشود در مسیر رشد زندگی هر چه پیش میرود گرچه قوی تر میشود اما در محیط دین ، علم ، تربیت و امکانات زندگی ، محدود تر شده در محاصره این عوامل قرار گرفته ، خوب و بدی را تشخیص داده ، مضر و نافی شناخته ، حلال و حرامی معتقد شده و در چهار دیواری این تشخیص و اعتقاد فعالیت میکند .

\* \* \*

(۱) مسأله تأثیر محیط و اینکه آیا انسانها سازنده محیط هستند یا بعکس

و درجه آن ، در آینده بحث خواهد شد .

### فشار عوامل تربیتی روی غریزه

خویشتر دوستی يك غریزه ثابت و عمومی انسانها بوده و بدون استثنا هر کس خود را دوست دارد . گویانکه غریزه خویشتر دوستی مثل دیگر غرائز ، زیر فشار عوامل تربیت ، دین و تمدن ، کوچک و بزرگ میشود ، اما بتعبیر دقیق تر باید گفت : مفهوم ومعنی کلمه خود زیر فشار این عوامل کوچک و بزرگ میشود ، نه اصل غریزه و انسانها در تمام شرائط خود را بآن معنی و مفهومی که میشناسند دوست داشته و برای آن فعالیت میکنند . (۱)

انسانها چون خود را دوست دارند بنوشته‌های خود ، بنام خود ، بعکس خود علاقه داشته و بانظر دیگری نگاه میکنند .

انسانها چون خود را دوست دارند بکار و ابتکار خود ، بزندگی و زن و بچه خود علاقه داشته و بانظری غیر از نظر دیگران نگاه میکنند .

انسانها باین دلیل که خود را دوست دارند میخواهند در ذهن و فکر دیگران هم بنیکی جا گرفته و از آنان بخوبی یاد شود و بهمین جهت علاقه دارند که به پاکی ، علم ، صنعت ، هنر و ابتکار و ... شهرت یافته و در افکار دیگران هم عکسی زیبا داشته باشند .

و باصطلاح فنی ، انسانها چون بخویش علاقه دارند تمام مراتب وجودی چهار گانه خود ( وجود کتبی ؛ نام و نوشته‌ها و عکس - وجود لفظی ، در زبان

۱ در بعضی از نوشته‌های روانی خودیت اشخاص را اینگونه درجه بندی

میکند :

۱ - خود و خود - همه چیز را فدای خود میکند .

۲ - خود وزن و بچه خود .. همه چیز را فدای خود و آنها میکند .

۳ - خود وزن و بچه و بستگان خود ..

۴ - خود و ... و مردم شهر خود ..

۵ - خود و ... و ملت و وطن خود -

۶ - خود و .... و ملیت و مذهب خود -

۷ - خود و ..... و انسانیت خود -

دیگران - وجودذهنی ، در فکر دیگران - وجودعینی) علاقه دارند .  
 و بالاخره انسان بخود و تمام شئون وابسته بخود علاقه داشته و برای حفظ  
 و رشدش فعالیت میکند ، گرچه این شئون و وابستگیها در سایه عوامل مختلف  
 بخودیت انسان پیوسته ، و بازمیشوند و تنها خودیتهائی همواره با انسان بوده  
 و فعالیت برای آن بجا و درست است که در هسته مرکزی وجود انسان ریشه داشته و  
 با فطرت و آفرینش او بوده است .

بنظر ما تمام این فعالیتها از همان يك غریزه خود دوستی سرچشمه گرفته ،  
 گرچه ، قسمتی از آن را با عنوان شهوت و از قسمت دیگری بنام غضب یاد کنند ،  
 یعنی دونوع عکس العمل از يك عامل روانی است .

\* \* \*

### بهترین مقیاس

پیش از آنکه اصل بحث را تعقیب کنیم باید به يك نتیجه عملی که در بهبود  
 زندگی اجتماعی نقش مؤثری دارد توجه کرد .  
 با توجه با آنچه گذشت می توانیم بگوئیم : بهترین مقیاس در زندگی برای  
 هر کس ، خود او است ؛ یعنی باید آنها خویشان را وسیله سنجش نیکی و بدی  
 قرارداد و با دیگران رفتار کرد .

آیا اگر دیگران بما احترام کنند خوشمان نمی آید و خرسند نمیشویم ؟  
 آیا ما از صحبت دیگران شکفته و با نشاط نمیکردیم ؟  
 آیا اگر ما مشکل و گرفتاری داشته باشیم و دیگران کمک کرده مشکلمان  
 حل و گرفتاریمان بر طرف شود خوشوقت نمیشویم ؟  
 آیا اگر انحرافی داشته باشیم و دیگران ما را با دلسوزی و نصیحت و  
 راهنمایی برگردانند و نتیجه برگشت را ببینیم خرسند نشده و با عکس العمل  
 مستقیم طرف را بنیکی یاد نمیکنیم ؟  
 و آیا ...

آیا عکس العمل مستقیم این کارها محبت و علاقه مند شدن بطرف نبوده  
 و همیشه وی را بنیکی یاد نمیکنیم ؟

بدیهی است که پاسخ همه این پرسشها بحکم همان غریزه خود دوستی مثبت است . (۱)

حالا بهتر نیست ما هم بدیگران احترام کرده محبت نموده و با کمک آنان مشکلاتشان را حل و آنها را نصیحت و راهنمایی کنیم ، تا دیگران هم خوشوقت و خرسند شده و عکس العمل مساعد و پسندیده نشان دهند .

آیا بهتر نیست ما هم با توجه باین امور در فکر و ذهن دیگران نقش و تصویر نیکی و پاکی داشته باشیم ؟ .

بدیهی است که پاسخ مثبت است .

آیا اگر دیگران ما را تحقیر کرده ، زشت گفته و بما حرفهای ناروا بزنند ، ناراحت نشده و اندوهناک نمیشویم ؟ .

آیا اگر دیگران ما را رنج داده اذیت کرده و ستم کنند متأثر و افسرده نمیگردیم ؟ .

و یا اگر حاجتی داشته باشیم و بدیگران مراجعه کرده و با داشتن قدرت ، جواب منفی بدهند دلشکسته و آزرده خاطر نمیشویم ؟ .

و آیا . . . . .

آیا عکس العمل مستقیم این کارها ایجاد نفرت ، بدبینی ، خشمناک شدن از طرف نبوده و وی را با زشت ترین نقشی در روح خود تصویر نمیکنیم ؟

و آیا . . . . .

جواب این پرسشها بحکم عکس العمل همان غریزه ، مثبت است .

حالا بهتر نیست ما هم دیگران را تحقیر نکرده با آنان زشت نگفته ، حرف نامناسب نزده و از خود متأثر و آزرده شان نکنیم ؟

آیا بهتر نیست ما هم دیگران را اذیت نکرده رنج نداده آزارشان ندهیم ؟ .

آیا بهتر نیست ما هم اگر دیگران حاجتی داشته و بما مراجعه کردند با

داشتن قدرت مشکلاتشان را حل کرده و گره از کارشان باز نموده و آزرده خاطرشان

(۱) رسول خدا (ص) فرمود پروردگارا منتهی از مردم فاجر بر من نباشد

تا محبت من روزی او گردد . نقل از: صحیح - آداب العشرة .

نسازیم ؟ (۱) .

آیا بهتر نیست با توجه باین مطالب ، خود را در برابر عکس العمل قطعی و طبیعی این کارها قرار نداده و با زشت ترین تصویری در فکر و خاطر دیگران روبرو نشویم ؟ .

و بطور کلی آیا بهتر نیست که يك خودیت روشنی ساخته و با توجه به ارزش انسانیت ، برای خود و خدا بنیکبیا توجه کرده و از بدیها چشم پوشیم ؟ .  
 بدیهی است جواب این پرسشها هم مثبت است و این همان موضوع معروفی است که در آیات قرآن کریم در سایه اخوت و برادری بآن توجه شده و در احادیث و روایات اسلامی با تعبیرات گوناگونی بآن اشاره رفته و صریح تر از همه آنکه در آن حدیث شریف فرمود : ... **وان تحب لغيرك ما تحب لذنفسك** . . .  
 برای دیگران بخواه آنچه را برای خود میخواهی و زشت و مکروه بدار آنچه را برای خود مکروه میداری .

\* \* \*

### يك نتیجه دیگر

توقع و انتظارات از اشخاص معمولاً ریشه يك سلسله ناراحتیها شده و مردم متوقع و زودرنج غالباً در زحمت و شدت زندگی کرده و بتدریج از مردم و اجتماع فاصله گرفته و با مشکلات زیادی روبرو میشوند ... (بقیه دارد)

(۱) وفي الحديث : **حوائج الناس اليكم من نعم الله عليكم** ...

نیازمندیهای مردم بشما از نعمتهای خدائی است مراقب باشید با پاسخ منفی دادن نعمت را نعمت نکرده و از بین نبرید .

## وقت کنید!

شما هم میتوانید آری همین شما که نشریه را درست دارید ،  
 میتوانید اقلایک نفر از دوستان و نزدیکان خود را باشتراك در  
 آن راهنمایی کنید ، و قدمی در راه همکاری با این موسسه علمی و  
 دینی بردارید آیا نمیتوانید ؟ ، قطعاً اگر بخواهید می توانید!